

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز شهرداری مشهد مدیرمسئول سید میثم موسوی مهر سردبیر سید سجاد طالع هاشمی

سال شانزدهم ۳۱ فروردین ۱۴۰۴ ۷۱ سال ۱۴۴۹ شماره ۴۴۷۰

اشنبه

Mashhadchehreh.ir Photoshahr.ir

نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴ روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲ شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

سایت شهرا را نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

ميثاق نامه اخلاق حرفه ای

۱۶% افزایش

۷% کاهش

۵۳% تغییر

۱۵ ظهر

۱۰ صبح

۱۰ شب

۱۴ عصر

اوقات شرعی مشهد

۲۲:۴۵:۰۲ نیمه شب شرعی

۱۱:۳۰:۲۴ اذان ظهر

۱۸:۵۰:۰۳ غروب آفتاب

۱۸:۰۹:۴۰ اذان صبح فردا

۰۴:۴۹:۵۲ طلوع آفتاب فردا

کارنوں شهر

مدای هوای مشهد

۱۶% افزایش

۷% کاهش

۵۳% تغییر

۱۵ ظهر

۱۰ صبح

۱۰ شب

۱۴ عصر

اوقات شرعی مشهد

۲۲:۴۵:۰۲ نیمه شب شرعی

۱۱:۳۰:۲۴ اذان ظهر

۱۸:۵۰:۰۳ غروب آفتاب

۱۸:۰۹:۴۰ اذان صبح فردا

۰۴:۴۹:۵۲ طلوع آفتاب فردا

کارنوں شهر

معاون وزیر و رئیس سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی: برای تولید هر دانه برنج باقی مانده در بشقاب که دور ریز می شود معادل یک لیوان آب در کشور مصرف شده است.

منبع: ایرنا

رضاجنگی

شوخى بی شوخى

جوجه هایی که نمی توانند قاطی مرغ ها شوند!

دبیر انجمن مرغ مادر گفت: در حالی شرکت هایی بازار ترجیحی اقدام به واردات جوجه مرغ مادر گوشتی خارجی کرده اند که نیمی از آن ها خروس از آب درآمده اند. این شما و این هم واکنش ها به این اتفاق:

بروچرد و بیرجند و بجنورد را می فهمند؟ آیا از تفاوت ابوالفضل پورعرب و فریبرز عرب نیا و احمد مهران فر و مهران احمدی آگاه هستند؟ بعد که مطمئن شدیم اشتباه نمی کنند به آن ها ارز بدیم که مرغ مادر وارد کنند. چین: کاش به جای جوجه با همان ارز ترجیحی از کشور ما به کشور خودتان همانند قبل سنگ پا وارد کنید، چون سنگ پای مادر و پدر وجود ندارد و اشتباه نمی شود. یک پیشگو: این جوجه خروس ها به خاطر اینکه مورد تقاضا نبودند، در بزرگ سالی تبدیل به خروس بی محل می شوند. یک نمکی: حالا اگر این جوجه های خروس به دردتان نمی خورد بدید ما با اسپری رنگش کنیم به عنوان جوجه رنگی بفروشیم. یک شهروند صبور: کمی صبر کنیم. شاید این خروس های پدر، روزی متحول شوند و به مرغ مادر تبدیل شوند. یک پرسشگر: فقط یک چیزی؟ چرا ما باید انجمنی به نام انجمن مرغ مادر داشته باشیم؟ مگر مرغ پدر یا خروس مادر هم داریم؟

مهدی مصطفی

کارنوں شهر

اول شخص

کانون نشر حقیقت

یادی از محمد تقی شریعتی، عالم فقید خراسانی هم زمان با سالروز درگذشتش

می یا قنند؟ علی شریعتی، نه تنها از پدر خود، که احتمالاً از همه متفکران معاصر ما معروف تر و اثرگذارتر بوده است، اما کار و بازار او را هم، بی توجه به آنچه محمد تقی شریعتی بود و نمود، نمی شود بررسید و درک کرد. برای درک اهمیت این پدر در آنچه آن پسر در سر داشت و انجام داد، یک راه ساده مرور سریع سرگذشت محمد تقی شریعتی با تمرکز بر نقطه ها و نکته های برجسته آن است: او، پس از آنکه مقدمات را در خانواده ای که همه عالمان دین بودند آموخت، در آرزوی رسیدن به مقام مبلغ دینی، به مشهد آمد و به فراگیری علوم دینی پرداخت، چون دریافت که «یک نفر مبلغ حسابی، مقدم بر هر چیز، ادبیات و منطق قوی» لازم دارد، کتاب های ادبی را بیشتر مد نظر قرار داد،

استاد محمد تقی شریعتی در کنار آیت ا... العظمی میلانی

استاد محمد تقی شریعتی در کنار شهید آیت ا... دکتر بهشتی

شهر بازار

شاه مقصودهای فلک دوم گلشهر

پاساژ مسجد ابوالفضل، پاساژ بزرگی نیست، پانزده، بیست تا مغازه است که جا شده اند در زیرزمین پت و پهن مسجد، مسجد ابوالفضل اما مسجد بزرگی است در حاشیه فلک دوم گلشهر، آن قدر بزرگ است که بشود در زیرزمینش پاساژی نونوار بنا کرد یا پانزده، بیست تا مغازه. مغازه های پاساژ مسجد ابوالفضل، چیزی می فروشند که مسجدی ها هم مشتری اش هستند. مسجدی ها دو تا نشانه مهم دارند. تسبیح می چرخانند و انگشتر در دست دارند و در مغازه های پاساژ، دقیقاً همین ها ردیف شده اند پشت و پترین ها. پاساژ مسجد ابوالفضل، پاساژ دیدنی تسبیح و انگشتر است. روزگاری نام گلشهر، بانام چند کار و کاسبی، پیوند داشت. یکی شان «تسبیح نخ کردن» بود. پیشه ای خانگی برای خانم ها با درآمدی مختصر. توی خانه بیشتر گلشهری ها دانه های زرد تسبیح و نخ های سبز، مهمان همیشگی بود. مردهای گلشهری یا کارگر بودند یا حلبی ساز یا حصیر باف، زن ها اما تسبیح نخ می کردند. صبح تا شب، سی و سه تا «دانه» نخ می کشیدند و یک «صلواتک» می انداختند. این طوری، دوک نخ های سبز، آرام آرام تبدیل می شد به توپ درشتی که تسبیح های آماده بود، قبل از بریده شدن و بافت خوردن و سیم کاری.

عکس روز

به رنگ ارغوان

دره ارغوان یکی از جاذبه های طبیعی در نزدیکی مشهد است که در این فصل از سال زیبایی اش دوچندان می شود. این منطقه که در شهرستان بینالود و در مسیر دسترسی به روستای کلاته آهن واقع شده در فهرست میراث طبیعی ایران به ثبت رسیده است. سراسر این طبیعت بکر را درختچه های بنفش ارغوان پوشانده اند. چشم انداز تماشایی ارغوانی رنگ در این دره گردشگران زیادی را جذب می کند.

عکس: فهیمه فرخی/ شهر آرا برای مشاهده گزارش تصویری کد را اسکن کنید.

زمانی که دید، به واسطه سیاست های حکومت، تبلیغ دینی سخت و حتی ناممکن می نماید، کوشید از طریق تدریس در مدارس و طی ارتباط با مصلان کار خود را به انجام برساند؛ پس از آنکه دانست در این زمینه و در مصاف با ایدئولوژی های غربی ضد دینی کار تشکیلاتی لازم است، «کانون نشر حقایق اسلامی» را تأسیس کرد، سرانجام، برای آنکه بیشتر و بهتر با مخاطبان خود ارتباط برقرار کند، به پشتوانه همان توشه ادبی و منطقی، به ایراد سخنرانی پرداخت و کتاب و مقاله نوشت یا ترجمه کرد. ناگفته نماند که شریعتی پدر همه این کارها را، ظاهراً در تناسب با اوضاع جامعه و به نیت جلب همدلی بیشتر، در صورتی بدیع پیش می برد: او، نه تنها به روش عالمان سنتی

علی باقریان روزنامه کنار

پدر آن ها هم پدران به مراتب بالایی رسیده اند و هم فرزندان اسم و رسمی پیدا کرده اند. از این میان، گاه، پدران بیشتر درخشیده اند و گاه فرزندان، پیش تر رفته اند. یوهان سباستیان باخ و فرزندانش، الکساندر دومای پدر و الکساندر دومای پسر، زیگموند فروید و دخترش، آنا، توماس مان و فرزندانش، جواهر لعل نهرو و دخترش، ایندیرا گاندی، از نمونه هایی هستند که الآن به خاطر می آورم. از ایرانی ها هم می توانم به جمال الدین اصفهانی و پسرش، کمال الدین (شاعران سده های ششم و هفتم)، وصال شیرازی و فرزندانش (شاعران و خوش نویسان عهد قاجار)، محمدحسن منزوی (تهرانی یا همان آقازیرگ و پسرانش) (مورخان و کتاب شناسان معاصر)، محمد تقی بهار و پسرش، مهرداد، همچنین به علی شریعتی و فرزندانش اشاره کنم. در همه این نمونه ها، پدر از فرزند یا فرزندانش مؤثرتر و مشهورتر بوده است. اما مثال های نقض هم کم نیستند: محمد تقی بهار از پدرش، میرزا محمد کاظم صبوری، بسیار نامدارتر و پرنفوذتر بوده است، همچنین، پروین اعتصامی از پدرش، یوسف اعتصامی، و سیمین بهبهانی از پدرش، عباس خلیلی عراقی. بین علی شریعتی و پدرش، محمد تقی شریعتی، هم چنین نسبتی برقرار است. اما، در این نمونه های اخیر، همواره پدران نقش عمده ای در شکل گیری و رشد شخصیت فرزندان خود داشته اند، چندان که بدون بررسی احوال و آثار آن ها نمی شود فرزندانشان را به درستی شناخت. به راستی، اگر میرزا محمد کاظم صبوری در شاعری مایه ای نمی داشت و به آن پایه نمی رسید، اگر یوسف اعتصامی آن روزنامه نگار و مترجم دغدغه مند نبود، اگر عباس خلیلی عراقی شعر نمی سرود و رمان نمی نوشت، محمد تقی بهار و پروین اعتصامی و سیمین بهبهانی چنین سرنوشتی

طرح خیال خاکی زاده اشورا